

رخداد

قتل دختر نماینده سابق مجلس

■ **آفتاب:** دختر محمدباقر باقری‌نژاد نماینده اصلاح‌طلب دور سوم و ششم مجلس شورای اسلامی هفته پیش در تهران ربوده و ۲۴‌ساعت بعد جسد او در اطراف شهرری پیدا شد. پزشکی‌قانونی هنوز علت مرگ فاطمه باقری‌نژاد ۲۸‌ساله را اعلام نکرده است. بنابر اظهارات نماینده اسبق کارزن، دختر او مطابق معمول، روز پنجشنبه ششم مرداد ساعت هفت به قصد هواخوری از منزل خارج شده و پس از ۲۴‌ساعت که خانواده وی در جست‌وجوی دختر ۸‌ساله خود بودند، در روز جمعه هفتم مرداد ساعت هفت جدی وی در کوه‌های اطراف شهرری پیدا شد. بنابر این گزارش نام‌های با‌امضای صد نفر از نمایندگان مجلس برای پیگیری این قتل نوشته شده است.

مرد، قربانی سوءظن همسرش شد

■ **شرق:** فردی که اسیر سوءظن و باورهای غلط شده بود، نقشه قتل دوست خود را طراحی و آن را عملی کرد. اهالی خیابانی در شهر اسپرد دماوند در پی استشمام بوی تعفن از منزل همسایه‌شان با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و مأموران برای پیگیری موضوع وارد منزل مورد نظر شدند و آثار خون را روی فرش و دیوارها مشاهده و با دنبال کردن مسیر قطرات خون، در نهایت جسد مردی را داخل حمام منزل کشف کردند و مشخص شد، مقتول چند روز پیش با اصابت ضربات یک جسم سخت روی قفسه سینه از پای درآمده است. در جریان تحقیقات، فردی که آخرین بار در خانه مقتول مشاهده شده بود به عنوان متهم دستگیر شد.او به قتل دوستش اعتراف و گفت: چند روز قبل از حادثه همسر مقتول با این ذهنیت که شوهرش قصد ازدواج مجدد و فرار به کشورهای خارجی را دارد از من خواست شوهرش را به قتل برسانم به همین دلیل با نقشه قبلی به منزل دوستم رفتم و پس از قتل از محل متواری شدم. بنا بر این گزارش، تحقیقات از متهم همچنان ادامه دارد.

کلاهبرداری پزشک قلابی از دختران

■ **شرق:** مرد شیک‌پوشی با جعل عنوان پزشک و وعده سرمایه‌گذاری در زمینه تورهای خارجی، از زنان و دختران پول‌های کلان دریافت و کلاهبرداری می‌کرد. به گزارش خبرنگار ما، تحقیقات در این‌باره زمانی آغاز شد که زن جوانی به کلاستر ی عباس‌آباد رفت و مدعی شد فریب یک دکتر کلاهبردار را خورده و ۱۵۰ میلیون تومان از پول‌هایش بر باد رفته است. او به مأموران گفت: «مدتی قبل به خانه مادرم رفته بودم که با دو مرد که برای نصب تجهیزات دریافت ماهواره در آنجا بودند، آشنا شدم. یکی از آنها که مرد شیک‌پوشی بود، خودش را بردیا معرفی کرد و گفت پزشک است اما در زمینه تورهای خارجی فعالیت می‌کند. دکتر بردیا گفت این کار برایش درآمد زیادی دارد. او شماره تماس و آدرس خانه‌اش را در خیابان ظفر به من داد و تشویق کرد تا در این کار سرمایه‌گذاری کنم. زمانی که او از خانه مادرم خارج می‌شد، همراه دوستش سوار یک دستگاه خودرو بنز مشکی‌رنگ شد و توصیه کرد حتما با او تماس بگیرم. چند روز از این ماجرا گذشت و من تصمیم گرفتم با او مشارکت کنم. بعد از چند مرتبه رفت‌وآمد به خانه بردیا، مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان به او دادم. چند روز از این ماجرا گذشت تا اینکه بردیا برخلاف روزهای قبل به تماس‌هایم پاسخ نداد. وقتی خودم را به خانه‌اش رساندم، فهمیدم او آنجا را برای چند روز اجاره کرده بود و دیگر در آنجا زندگی نمی‌کند.» همزمان با آغاز تحقیقات، چند زن و دختر دیگر نیز با اظهاراتی مشابه از مردی حدودا ۴۰ساله که خود را پزشک معرفی و به بهانه‌های گوناگون از آنان کلاهبرداری کرده بود، شکایت کردند. تحقیقات از مالباختگان نشان داد آنان فریب ظاهر مرد شید و خودروهای لوکس او را خورده‌اند. کار آگاهان با جمع‌آوری اطلاعات موجود از متهم چهره‌نگاری کردند و فهمیدند او اخیرا به یک مجتمع پزشکی در منطقه ارگل رفت‌وآمد دارد. از آنجا که این ساختمان به دوربین‌های مداربسته مجهز نبود، مأموران با بازبینی تصاویر دست‌یافته متهم تحت تعقیب را شناسایی کردند. به این ترتیب این محل و مناطق اطراف آن تحت نظر گرفته شد تا اینکه سرانجام چند روز قبل مأموران متهم را حسین فریب زنی جوان دستگیر کردند. متهم ۳۷‌ساله به نام صادی در جریان بازجویی‌ها اتهام فریب زنان و دختران جوان و کلاهبرداری از آنان را بر عهده گرفت و مشخص شد مدرک تحصیلی‌اش دیپلم است.

بنا بر این گزارش، سرهنگ محمدرضا

ذاکراستقامتی، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران، از افرادی که از این مرد شکایتی دارند دعوت کرد به پایگاه سوم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

۹ کشته در سقوط بالگرد

■ **فرانس پرس:** سقوط بالگرد در اندونزی ۹ کشته

بر جای گذاشت. قربانیان دو استرالیایی، دو تبعه

آفریقایی‌جنوبی و پنج تبعه اندونزیایی هستند. علت

سقوط این بالگرد غیرنظامی هنوز معلوم نشده‌است.

این بالگرد با ۱۰ سرنشین بعدازظهر روز چهارشنبه

هفته پیش در حال پرواز به سمت یکی از معادن

شرکت معدنی نیوکست بود که ارتباط آن با مرکز

کنترل قطع شد. تهاقد زنده مانده این حادثه که

یک اندونزیایی است، در حال حاضر در وضعیت

بحرانی به سر می‌برد.

شرق: نوجوان متهم به قتل قوی‌ترین مرد ایران روز گذشته در جلسه محاکمه‌اش جزییات قتل روح‌الله داداشی را شرح داد. به گزارش خبرنگار ما، در حالی که پلیس پیش از این سه نفر را در رابطه با این پرونده بازداشت و آنان را به عنوان متهم معرفی کرده بود، فقط یک متهم به دادگاه منتقل شده بود و اظهارات متهم نشان می‌داد زمان حادثه او فقط یک همراه داشت و نفر سومی در این ماجرا دخالت نداشت. در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده قاضی رنجبر، رئیس شعبه یک دادگاه کیفری‌استان البرز اعضای خانواده برجمعیت داداشی را به آرامش دعوت کرد.

درخواست قصاص

در ادامه جلسه رضوانی، نماینده دادستان کرج در جایگاه حاضر شد و

در توضیح کیفرخواست گفت: علیرضا- متهم ۱۸‌ساله پرونده- که ۲۸ تیر سال‌جاری و یک روز بعد از قتل قوی‌ترین مرد ایران بازداشت شده، متهم است که با ضربات چاقو روح‌الله داداشی را به قتل رسانده است. متهم حاضر در دادگاه ۲۷ تیرماه حدود ساعت ۱۲ شب در گوه‌رشدت با روح‌الله داداشی درگیر شد و بعد از اینکه او را با ضربه چاقو از ناحیه گردن زخمی کرد، از محل متواری شد. متهم همچنین جوان دیگری به نام داریوش را در همان شب مورد ضرب‌وجرح قرار داده و شاکي در این خصوص نیز شکایتی را ارایه کرده است. بعد از قتل روح‌الله داداشی تحقیقات پلیس آغاز شد و بررسی‌ها نشان داد متهم که راننده یک پراید بود، با همدستی مردی که آن شب همراهش بود، قتل را انجام داده است، متهم درحالی که قصد خروج از شهر را داشت، بازداشت و تحقیقات پلیس از او منجر به اعتراف وی به قتل شد. من با توجه به مدارک پزشکی قانونی، گفته‌های شاهد حادثه، اظهارات خانواده متهم و سایر مدارک موجود در پرونده درخواست قصاص متهم را دارم. نماینده دادستان کرج ادامه داد: با توجه به اینکه این حادثه در ملا‌عام اتفاق افتاده و قوی‌ترین مرد جهان در این پرونده به قتل رسیده است، درخواست دارم برای جلوگیری از برهم‌خوردن نظم عمومی متهم در ملا‌عام و در محل قتل به‌دار آویخته شود. در ادامه وکیل اولیای‌دم در جایگاه حاضر شد و برای متهم درخواست صدور حکم قصاص کرد. او گفت: هر چند عدای می‌گویند بخشش بهتر است، اما قصاص نکردن این جوان ترحم بر پلنگ تیزندگان است. هر چیزی جایی دارد و ما فکر می‌کنیم قصاص در این مورد سازنده‌تر از بخشش است. به همین خاطر هم تقاضای قصاص داریم.

اعتراف دوباره

سپس علیرضا در جایگاه حاضر شد. متهم در دفاع از خودش گفت: «اتهام را قبول دارم. من داداشی را به قتل رساندم، شب حادثه با دوستم که نام او هم علیرضاست در پارک نشسته بودیم. دوستم از من خواست او را به خانه برسانم در یکی از خیابان‌های گلشهر داشتم می‌رفتم که یک ماشین آژرا پشت‌سرم آمد. راننده مرتب چراغ می‌زد. من به خاطر تعداد زیاد خودروهای در حال حرکت نمی‌توانستم از لاین سوم به لاین دوم بروم تا اینکه به یک سرعت‌گیر رسیدیم و من مجبور شدم سرعتم را کم کنم و بعد به لاین دوم رفتم. راننده آژرا خودش را به من رساند و کسی که سمت شاگرد نشسته بود، خودش را تیمه از پنجره بیرون کشید و محکم روی دست من کوبید. خیلی عصبی شدم. راننده به من فحشی داد و من که تحریک شده بودم، جوابش را دادم. بعد جلودر رفتم که آژرا جلو من پیچید. ما پیاده شدیم. دوستم با همراه راننده درگیر شد و راننده به سمت من آمد، او سیلی محکمی به صورت من زد. من چاقو کشیدم او یک لگد پرت کرد، اما به من نخورد، از هیکل او ترسیده بودم همین‌طور که راننده جلو می‌آمد به من می‌گفت می‌دانی من کی هستم. این جمله را دوباره تکرار کرد. همان‌طور که به سرعتش چاقو پرت می‌کردم او هم لگدبرانی می‌کرد. یک ضربه به من برخورد کرد و سرم را به سمت پایین آوردم به فاصله

ایستنه زن همدانی که توسط یک زن دیگر هدف اسیدپاشی قرار گرفته و خود و فرزندش به شدت مجروح شده‌اند خواستار قصاص متهم شد. رحیم فریبا، وکیل طاهره -زن مجروح- بی بیان اینکه آخرین جلسه رسیدگی به اتهامات «هونا»، زن اسیدپاش صبح پنجشنبه گذشته در دادگاه کیفری استان همدان برگزار شده. تصریح کرد: در ابتدای جلسه رسیدگی، نماینده دادستان به عنوان مدعی‌المعموم ضمن قرائت کیفرخواست، اشد مجازات را برای متهم این پرونده

■ **شرق:** مرد ایرانی که در تورنتو کانادا همسر سابقش را به قتل رسانده بود با گلوله پلیس در صحنه جنایت از پا درآمد. این واقعه روز دوشنبه هفته گذشته رخ داد و مردی ۵۰‌ساله به نام کوروش پس از آنکه به خانه همسر سابقش رفت، این زن ۴۷‌ساله را به قتل رساند.

سپس مأموران این محل وقوع جنایت را به محاصره کردند و به سمت مهاجم چاقو به دست، آتش گشودند و مرگ او را رقم زدند. کوروش و همسرش مژده سال‌ها قبل به کانادا مهاجرت و شهر تورنتو را برای زندگی انتخاب کردند. آنها مدت‌ها با یکدیگر اختلاف داشتند و کشمکش‌های طولانی بین این زوج باعث شد مژده به‌رغم داشتن یک فرزند دختر تصمیم بگیرد از شهر خود جدا شود؛ به این ترتیب زن می‌ماسال دو سال قبل همراه دختر ۱۲ ساله‌اش خانه کوروش را ترک کرد ولی این پایان کار نبود و مجادلات این زوج همچنان ادامه داشت تا اینکه سال گذشته آن دو به صورت رسمی و قانونی از هم جدا شدند. در حالی که به نظر می‌رسد همه چیز به پایان رسیده است، کوروش که از ابتدا با جدایی نبود بی‌باز هم به رفتارهای سابقش ادامه داد و مزاحمت‌های را برای مژده به وجود

جزئیات قتل قوی‌ترین مرد ایران



چند ثانیه سرم را بالا گرفتم و متوجه شدم غرق خون شده است. از ترسم دوستم را صدا کردم سوار ماشین شدیم و فرار کردیم.» در این هنگام رئیس دادگاه سولاتی را از متهم پرسید و او نیز پاسخ داد.

■ **قاضی: داداشی چاقو داشت؟**

نه او لگد پرت می‌کرد و به صورت من چک می‌زد. صورتم خونی شده بود.

■ **ولی پزشکی قانونی این ادعایت را تایید نکرده است.**

من را اصلا پزشکی قانونی نبردند. نمی‌دانم ماجرای این خصوصی نیز شکایتی را ارایه کرده است. بعد از قتل روح‌الله داداشی تحقیقات پلیس آغاز شد و بررسی‌ها نشان

داد متهم که راننده یک پراید بود، با همدستی مردی که

آن شب همراهش بود، قتل را انجام داده است، متهم

درحالی که قصد خروج از شهر را داشت، بازداشت و

تحقیقات پلیس از او منجر به اعتراف وی به قتل شد. من

با توجه به مدارک پزشکی قانونی، گفته‌های شاهد حادثه،

اظهارات خانواده متهم و سایر مدارک موجود در پرونده

درخواست قصاص متهم را دارم. نماینده دادستان کرج

ادامه داد: با توجه به اینکه این حادثه در ملا‌عام اتفاق

افتاده و قوی‌ترین مرد جهان در این پرونده به قتل رسیده

است، درخواست دارم برای جلوگیری از برهم‌خوردن نظم

عمومی متهم در ملا‌عام و در محل قتل به‌دار آویخته

شود. در ادامه وکیل اولیای‌دم در جایگاه حاضر شد و برای

متهم درخواست صدور حکم قصاص کرد. او گفت: هر چند

عدای می‌گویند بخشش بهتر است، اما قصاص نکردن

این جوان ترحم بر پلنگ تیزندگان است. هر چیزی جایی

دارد و ما فکر می‌کنیم قصاص در این مورد سازنده‌تر از

بخشش است. به همین خاطر هم تقاضای قصاص داریم.

■ **کی‌متهم**

نه، اصلا نشناختم مرتب به من می‌گفت می‌دانی من

کی‌هستم

■ **چرا چاقو کشیدی؟**

باخودم گفتم چاقو را می‌بیند و دعوا تمام می‌شود اما او

مرتب به سمت من می‌آمد.

■ **کی متوجه شدی داداشی را کشته‌ای؟**

فردای آن روز خبر رسید او مرده است. تازه متوجه

شدم داداشی را کشته‌ام؛ البته من چندبار او را در تلویزیون

دیدم بودم اما در آن لحظه او را نشناختم

■ **تو کمر بند زرد قول کتناکت داری، بنابراین**

می‌توانستی ضربات لگد داداشی را جواب بدهی؟

هیكلش خیلی بزرگ و ضرباتش خیلی قوی بود. اولین

سیلی که به من زد، خون از دهمان جاری شد. بعد هم که

لگد پرت کرد، به ماشین برخورد کرد و در ماشین فرو رفت

من نمی‌توانستم در برابرش مقاومت کنم.

■ **همراهت گفته است شما برای داداشی چراغ**

می‌زدی

نه درست نیست، اشتباه گفته است ما هیچ چراغی

برای او ن‌زدیم چون ما جلو او بودیم.

■ **تو می‌توانستی قبل از اینکه چاقو بکشی فرار کنی**

متهم به قتل روح‌الله داداشی در جلسه دادگاه تشریح کرد

جزئیات قتل قوی‌ترین مرد ایران



■ **چرا این‌کار را نکردی؟**

نمی‌دانم چرا. فقط می‌دانم ترسیده بود. ماشینم هم

آنجا بود، نمی‌توانستم ماشین را رها کنم.

■ **بعد از اینکه مرکب قتل شدی، چه کردی؟**

به خانه رفتم و موضوع را گفتم. چاقو را شستم و

لباس‌هایم را عوض کردم، صبح به سمت اردبیل به راه

اقدام. می‌خواستم فرار کنم، تا تالش هم رفتم، اما بعد

نه گشتی وجود دارد و نه کوسکی که پلیس بلافاصله در

جریان قرار بگیرد و درگیری رخ ندهد. وکیل مدافع متهم

به درخواست نماینده دادستان در مورد اعدام علیرضا در

ملا‌عام اشاره کرد و گفت: اعدام یک معلول در ملا‌عام

چه سودی دارد و اتهام علیرضا چه ویژگی جداگانه‌ای

نسبت به سایر پرونده‌ها دارد که چنین تصمیمی در مورد

او گرفته شده است. علیرضا و خانواده‌اش از قشر محروم و

فقیر جامعه هستند. آنها هیچ سابقه شرارتی ندارند و یک

درگیری باعث شد تا آنها گرفتار شوند و اگر علیرضا خودش

را تسلیم نمی‌کرد، شاید با این سرعت در مورد او تصمیم

گرفته نمی‌شد. جامعه‌شناسان زیادی تحقیق کرده و به این

نتیجه رسیده‌اند که اجرای احکام در ملا‌عام هیچ سودی

برای عموم مردم ندارد، به جز اینکه روان آنها را تحت فشار

قرار می‌دهد ضمن اینکه علیرضا متولد چهارم دی سال

۷۲ است، بنابر این تطبیق قوانین بین‌المللی نمی‌شود. او

را تا قبل از ۱۸‌سالگی قصاص کرد.» بعد از دفاعیات وکیل

مدافع، نماینده دادستان کرج گفت: بحث دفاع مشروع

که وکیل مدافع مطرح کرد اصلا درست نیست، چون

دفاع مشروع شرایطی دارد از جمله اینکه دفاع متناسب

با حمله باشد؛ مگر داداشی چاقو داشت که متهم روی او

چاقو کشید. ضمن اینکه متهم می‌توانست فرار کند، اما این

کار را نکرد. او می‌توانست به پلیس خبر دهد وقتی متهم

هیچ‌کدام از این کارها را نکرده، چطور می‌توان گفت دفاع

مشروع کرده است. ضمن اینکه اعدام یک فرد چاقو‌کش که

امنیت روانی یک شهر را به هم زده است، می‌تواند باعث

شود افراد ارانل و اوپاش که قابلیت ارتکاب چنین جرمی را

دارند، بترسند و دست به چنین جرمی زنند.

■ **شاکای دوم**

در ادامه این جلسه شاکای دوم پرونده در جایگاه

حاضر شد و گفت قبل از قتل داداشی متهم به خودروی

او حمله کرده بود. این جوان توضیح داد: «سر چهارراه

باهم دعوا کردیم من سوار پراود بودم و مبلغ زیادی پول

همراهم بود. آنها به من حمله کردند البته چاقو نداشتند

اما فریاد می‌زدند. آنها من را کتک زدند و من از متهم و

همدشتش شکایت دارم. در ادامه به دستور قاضی رنجبر،

علیرضا مجددا در جایگاه حاضر شد. او گفت: هر دو اتهام

را قبول دارم و از کرده خودم پشیمان هستم. در پایان

علی داداشی – برادر مقتول – خطاب به حاضران در دادگاه

گفت: روح‌الله فرزند همه شما بود. او حامی پلر‌هنگان بود

و مردم در مراسم ختم او نشان دادند چقدر دوستش دارند

و من از همه تشکر می‌کنم. سپس هیأت قضات شعبه یک

تامین هزینه‌های درمان نیز در مضیقه است. فرزند

جلسه را اعلام کردند و گفتند ظرف یک هفته رای خود

را صادر می‌کنند.

مادر داداشی فحاشی می‌کنده؛ همین موضوع درگیری را جدی می‌کند. از آنجایی که روح‌الله مادر درگذشته‌اش را بسیار دوست داشت، با علیرضا درگیری می‌شود و او را می‌زند. سیلی‌ای که به گوش متهم می‌خورد، باعث اوج‌گیری درگیری می‌شود و در نهایت موکل من که می‌بیند نمی‌تواند حریف روح‌الله داداشی شود، چاقو می‌کشد. بنابراین علیرضا به خاطر دفاع از خودش دست به این کار زده و دفاع مشروع کرده است، چراکه اگر او نمی‌زد قطعاً داداشی با ضرباتی که می‌زد او را از بین می‌برد. جایی که این قتل اتفاق افتاده، تا کیلومترها پلیس وجود ندارد و کسی نبود که به داد آنها برسد، بنابراین او چاره‌ای به جز درگیری نداشت.

صدری ادامه داد: علیرضا معلول این جامعه

است نه علت درگیری‌ها و خشونت‌هایی

که اتفاق می‌افتد. یکی از مسئولان مالیاتی کشور در

مصاحبه‌ای اعلام کرده چندصدمیلیاردتومان مالیات اسمال

از مردم گرفته شده اما کسی از او نپرسید چند درصد این

مالیات‌ها برای امنیت مردم و تجهیز پلیس استفاده شده

است. اگر مأمور پلیس در آن منطقه بود، قطعاً درگیری بین

روح‌الله و علیرضا اتفاق نمی‌افتاد. مردم ما برای اینکه پلیس

را خیر کنند، فقط می‌توانند با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرند

نه گشتی وجود دارد و نه کوسکی که پلیس بلافاصله در

جریان قرار بگیرد و درگیری رخ ندهد. وکیل مدافع متهم

به درخواست نماینده دادستان در مورد اعدام علیرضا در

ملا‌عام اشاره کرد و گفت: اعدام یک معلول در ملا‌عام

چه سودی دارد و اتهام علیرضا چه ویژگی جداگانه‌ای

نسبت به سایر پرونده‌ها دارد که چنین تصمیمی در مورد

او گرفته شده است. علیرضا و خانواده‌اش از قشر محروم و

فقیر جامعه هستند. آنها هیچ سابقه شرارتی ندارند و یک

درگیری باعث شد تا آنها گرفتار شوند و اگر علیرضا خودش

را تسلیم نمی‌کرد، شاید با این سرعت در مورد او تصمیم

گرفته نمی‌شد. جامعه‌شناسان زیادی تحقیق کرده و به این

نتیجه رسیده‌اند که اجرای احکام در ملا‌عام هیچ سودی

برای عموم مردم ندارد، به جز اینکه روان آنها را تحت فشار

قرار می‌دهد ضمن اینکه علیرضا متولد چهارم دی سال

۷۲ است، بنابر این تطبیق قوانین بین‌المللی نمی‌شود. او

را تا قبل از ۱۸‌سالگی قصاص کرد.» بعد از دفاعیات وکیل

مدافع، نماینده دادستان کرج گفت: بحث دفاع مشروع

که وکیل مدافع مطرح کرد اصلا درست نیست، چون

دفاع مشروع شرایطی دارد از جمله اینکه دفاع متناسب

با حمله باشد؛ مگر داداشی چاقو داشت که متهم روی او

چاقو کشید. ضمن اینکه متهم می‌توانست فرار کند، اما این

کار را نکرد. او می‌توانست به پلیس خبر دهد وقتی متهم

هیچ‌کدام از این کارها را نکرده، چطور می‌توان گفت دفاع

مشروع کرده است. ضمن اینکه اعدام یک فرد چاقو‌کش که

امنیت روانی یک شهر را به هم زده است، می‌تواند باعث

شود افراد ارانل و اوپاش که قابلیت ارتکاب چنین جرمی را

دارند، بترسند و دست به چنین جرمی زنند.

■ **شاکای دوم**

در ادامه این جلسه شاکای دوم پرونده در جایگاه

حاضر شد و گفت قبل از قتل داداشی متهم به خودروی

او حمله کرده بود. این جوان توضیح داد: «سر چهارراه

باهم دعوا کردیم من سوار پراود بودم و مبلغ زیادی پول

همراهم بود. آنها به من حمله کردند البته چاقو نداشتند

اما فریاد می‌زدند. آنها من را کتک زدند و من از متهم و

همدشتش شکایت دارم. در ادامه به دستور قاضی رنجبر،

علیرضا مجددا در جایگاه حاضر شد. او گفت: هر دو اتهام

را قبول دارم و از کرده خودم پشیمان هستم. در پایان

علی داداشی – برادر مقتول – خطاب به حاضران در دادگاه

گفت: روح‌الله فرزند همه شما بود. او حامی پلر‌هنگان بود

و مردم در مراسم ختم او نشان دادند چقدر دوستش دارند

و من از همه تشکر می‌کنم. سپس هیأت قضات شعبه یک

تامین هزینه‌های درمان نیز در مضیقه است. فرزند

جلسه را اعلام کردند و گفتند ظرف یک هفته رای خود

را صادر می‌کنند.

</